

## والا حضرت آقا خان جایزه آدرین کلارکسن را برای شهروندی جهانی دریافت می کند



تورنتو، کانادا، 21، سپتمبر 2016

برگردان به پارسی: نوروز علی ثابتی، 30 سپتمبر 2016.

### در مورد جایزه:

والا حضرت آقا خان در مراسم افتتاح جایزه آدرین کلارکسن برای شهر وندی جهانی در تالار کوئرنر (Koerner Hall) در تورنتو حضور یافت.

جایزه توسط عالیمقام آدرین کلارکسن، بیست و ششمین فرماندار کل کانادا و مؤسس همکار انستیتوت برای شهروندی کانادایی تقدیم گردید. والا حضرت آقا خان برای حاضرین سخنرانی ایراد کرد و در یک گفت و شنید روی صحنه با آدرین کلارکسن شرکت کرد. روفوس وین رایت (Rufus Wainwright)، آواز خوان و آهنگ ساز شناخته شده بین المللی، برای او آهنگی اجرا کرد.

جایزه سالانه آدرین کلارکسن برای شهروندی جهانی، فردی را شناسایی میکند که او از طریق اندیشه و گفتگو، از راهکارها و شیوه هایی حمایت کرده است و تلاش نموده است تا موانع را بر طرف کند، برداشت ها (طرز تلقی) ها را تغییر دهد، و اساسات تحمل پذیری و احترام را استحکام بخشد.

(بر گرفته شده از تار نمای شبکه انکشافی آقا خان، تصویر از لیسا سکولنسکی (Lisa Sakulensky))

**واژه های کلیدی که در این سخنرانی بکار رفته اند:** شهر وندی جهانی (global citizenship)، اخلاق جهان- وطنی

(cosmopolitan ethic)، کثرت گرایی (pluralism)، تنوع (گوناگونی) (diversity)، هویت (identity)، غیر

(بیگانه) (other)، همبستگی اجتماعی (social solidarity)، همانندی (انطباق) اجتماعی (social cohesion)،

جامعه مدنی (civil society) اطلاعات (معلومات) (information)،

انفجار اطلاعات (explosion of information) تکثیر رسانه ها (media proliferation)،

ارتباطات (communication)، مهاجرت (migration)

## متن سخنرانی والا حضرت شهزاده آقا خان چهارم در مراسم اهدای جایزه شهروندی جهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

خانم ادرین کلارکسن (1)،

دکتر جان رالستون سئول (2)،

نخست وزیر، کتلین وین (3)،

بانوی نخست آیسلند، خانم رید (4)،

جلالت مآب الیزابت دودسول (5)،

عالی جناب جان توری (6)،

وزراء،

مهمانان عالیقدر،

خانم ها و آقایان،

این یک لحظه عمیقاً به یاد ماندنی برای من است. بخاطر دریافت این جایزه فوق العاده، از ادرین کلارکسن، جان رالستون سئول و انستیتوت برای شهروندی کانادا، و از همه شما که در این لحظه مهم زندگی ام [در اینجا] شرکت کرده اید، صمیمانه ابراز امتنان می کنم.

تصور کنید که برای کسی که جایزه ای بنام ادرین کلارکسن مسما است، از جانب [خود] ادرین کلارکسن، تقدیم می گردد، چه افتخاری را احساس می کند، و اهدا می گردد برای آرمان هایی که ادرین کلارکسن یک نمونه بارز آن است.

طوری که میدانید، خانم کلارکسن در زندگی خود تجربه کرده است که مفهوم شهروندی جهانی واقعاً چه معنی دارد. مهاجری که در سن دوسالگی از بیرون به کانادا رسیده، او با تمام معنی یک شهروند کانادایی شد، و همچنان، او یک مدافع فوق العاده شهروندی جهانی شد که حقیقتاً چه معنی را افاده می کند. وی طی سالیان زیاد در نقش های زیاد، به عنوان یک گزارشگر و مجری ی برنامه، به عنوان فرماندار کل سرشناس کانادا، و به عنوان یک بانوی بزرگ ملی، همواره به مردمان گوناگون در کانادا و در دور و بر جهان، نه تنها با لفاظی فصیح بلکه تصمیم گیرنده در عمل، رسیدگی کرده است.

---

1 Adrienne Clarkson

2 Dr. John Ralston Saul

3 Kathleen Wynne

4 Reid

5 Elizabeth Dowdeswell

6 John Tory

خانم کلارکسن نه تنها براي يك دوست و الهام بخش است، بلکه شريك كاري من بود كه براي او احترام زياد قايل هستم. همكاري اش در قسمت كار شبكه انكشافى ما، در دستور كار خود وي به عنوان رئيس مركز كثرت گرايي جهاني در اوتاوا بوده، كه يكي از پروژه هاى مشترك است كه دولت كانادا را در آن دخيل كرد، نهاد ما (از اين اقدام شان) عميقاً سپاسگذار مى باشد.

كسي ممكن است كه بگويد كه دريافت يك جايزه براي شهروندى جهاني از ادرين كلاركسن يك كمى همانند به دريافت يك جايزه اعلى ورزش هاكى<sup>7</sup> از وين گرتسكى<sup>8</sup> است!<sup>(9)</sup>

و اما، مفهوم شهروندى جهاني چيزى بود كه من در مورد آن شصت سال پيش به فكر كردن آغاز نمودم، زمانى كه من امام [رهبر] مسلمانان اسماعيلى شدم. خوشبختانه، من قادر بودم تا فكرم را در مورد شهروندى جهاني با كاركنان متعهد در شبكه انكشافى آقا خان مطرح كردم - با كسانى كه ميخواهم ايشان را در اين افتخار امروزي سهيم سازم. چيزى كه ما از همان آغاز آموختيم توسعه بخشيدن آجنداي انكشافى ما بود، ما نياز داشتيم تا تنوع [گونگونى] گسترده اقوام، زبان ها، فرهنگ ها، عقايد [باور ها]، فلسفه ها را حرمت گذاريم. بطور خالص، ما آموختيم كه ارزش هاى شهروندى جهاني را بپذيريم.

قسمى كه ما اين مفهوم را و معنای حقيقى ي كثرت گرايي را كه مبنای آنست، مورد بحث قرار ميدهيم، به نظر من، تنها و تنها واقع بينانه مى باشد تا يك مأيوسى رو به افزايش راجع به قصه كثرت گرايي را برسميت بشناسيم. ما در باره ارزش هاى گوناگونى، در مورد زندگى با پيچيدگى، صميمانه حرف بزنيم. اما در بسيارى از حالت ها، معلوم مى شود كه تنوع بيشتر، شكاف بيشتر، پيچيدگى بزرگتر، پراگندگى بيشتر، را معنى دهد و پراگندگى ي بيشتر مى تواند ما را به يك تنش نزديكتر كند.

با گذشت زمان، معلوم مى شود كه خطر ها بالا تر ميروند و موانع هم همچنان [بيشتر مى شوند]. و بدین خاطر است كه من سخنرانى مختصرم را امروز بر چالش هاى دايمى در آرمان هاى شهروندى جهاني متمرکز ميسازم.

يك چالش بزرگ، البته اين يك فاكت مطلق است كه تنوع در اطراف و اكناف جهان رو به افزايش است. وظيفه [ما] صرفاً آموختن براي زندگى كردن با آن تنوع نيست، ولى آموختن [طرز] زندگى كردن با تنوع بزرگتر با گذشت هر سال است.

يك جنبه اين حقيقت متغير، چالش مهاجرت بشر است. نسبت به هر زمانى از گذشته، مردم بيشتر بطور خواسته و ناخواسته فرا تر از مرز هاى ملي نقل مکان مى كنند. در كشورى پس از كشورى، پرسش مهاجرت يك مشكل محوري زندگى سياسى است. غالباً اين يك مشكل محوري است. و عادات گذشته ذهن، بشمول تعريفات محدود و تحريم شده از شهروندى به اين چالش رسيدگى نكرده است.

<sup>7</sup> هاكى (Hockey) يك نوع گوى و چوگان بازي روى يخ است.

<sup>8</sup> به انگليسى (Wayne Gretzky) به روسى (Уэйн Дуглас Грэтцки)، به شغنى: وپن گرڅكى. وي متولد 26 جنورى 1961 است و يك بازيكن هاكى روى يخ از كشور كانادا است و در بين سال هاى 1978 و 1999 بازي كرده است و سه مدال طلا، دو مدال برنز و دو مدال نقره را به كشور كانادا به ارمغان آورده است.

<sup>9</sup> يعنى دريافت چنين جايزه اى آسان نمى باشد، مثل اينست كه جايزه هاكى روى يخ را از گرتسكى بگيرى، كه ذكرش در اين پاورقى در شماره 8 آمده است.

آن سه ماه پیش واقعی بود، زمانیکه بریتانیای کبیر رأی گیری کرد تا اتحادیه اروپا را ترک گوید. این یک واقعیت در مبارزات پیشا انتخاباتی در فرانسه است که در آنجا من فعلاً زندگی میکنم، و همچنان در ایالات متحده است که در آنجا من به دانشگاه رفتم. این در کادانا درست است قسمی که خودتان بهتر میدانید، اگرچه کادانا مسلماً یک رهبر جهانی در توسعه مفهوم شهروندی است. اما این چالش در هر جا احساس می شود. و نه چالش مهاجرت بطور احتمالی هر وقت بزودی بر طرف می گردد، بویژه طوری که جنگ و خشونت و محرومیت اقتصادی، مردمان بیشتری را آواره می سازد.

در همچو جهان، «غیر» [بودن]، دیگر یک شخص در دور دست ها نمی باشد که ما با وی عمدتاً در صفحات یک مجله، و یا در صفحه یک نوار تصویری، و یا در یک سفر تعطیلی خارجی روبرو می شویم. «غیر» [بیگانه] بطور فزاینده کسی است که او آنچه که ما در مورد «محوطه ما»، و یا حتی «در چهره ی ما» ظاهر می گردد. و این واقعیت را به دشواری می توان اداره کرد. (10)

زمانی که به «غیر» به عنوان یک رقیب نگرسته شود، طور مثال برای گرفتن یک وظیفه (کار)، حتی اگر این ترس موجود نباشد، پس چالش طرز تلقی کثرت گرایی حتی مشکل تر می شود. برای کسانی که احساس نا ایمنی می کنند، زمانی که به نظر رسد که عزت نفس آنها تهدید می گردد، این وسوسه بر انگیز است تا دنبال سپر بلا بگردند، دنبال کسی تا ویرا سرزنش کند. ما اغلباً، دیگر این را آسانتر می یابیم تا هویت خود را تعریف کنیم با آنچه که ما بر علیه آن هستیم در سنجش با آنچه که بر له آن هستیم.

اینگونه ترس ها شاید اساس فرهنگی، برخاسته از تحرک اقتصادی، و یا ریشه روانشناختی دارند. ولی آنها باید دست کم گرفته نشوند. و آنها را نمی توان با لفاظی پر سر و صدای زیبا و با اعلام کردن آرمان های متعالی از میان برداشت.

بدین خاطر من تأکید می کنم، قسمی که ادرین کلارکسن همیشه انجام داده است، مسئولیت ما بهبود بخشیدن کیفیت زندگی در جاهایی در سراسر جهان است که در آنجا، آن کیفیت قناعت بخش نیست - مبارزه با فقر، بهبود بخشیدن صحت و تعلیم و تربیه، انکشاف فرصت، به عنوان نخستین مظهر یک اخلاق کثرت گرایانه سالم می باشند. کثرت گرایی به معنای پاسخ دهی به تنوع نه تنها در خانه، بلکه در سطح جهان می باشد - فراهم نمودن «بینش های فرصت» واقعی در جاهایی که محدودیت ها و یا بد اقبالی شایع است.

اما افزایش چالش در مقابل ارزش های کثرت گرایی تنها زمانی اتفاق نمی افتد که مردم بطور فزینی از یک محل به محل دیگر حرکت کنند. قسمی که فن آوری های معلوماتی جدید سیاره ما را کوچکتر ساخته، قوه های دور دست هم [به شکل] تهدید های هولناک بروز می کنند. ما در مورد خطرات تخریب محیط زیستی نگران هستیم، طور مثال، که شامل شبح تغییر اقلیم [هم می شود]. ما می بینیم که چگونه هر اقتصاد محلی توسط اقتصاد های دور دست متأثر می گردد. ما میدانیم که چگونه قوه های خطر آفرین در مرز ملت ها می توانند گسترش پیدا کنند - بیماری های مرگبار، و یا سلاح های مرگ آفرین، شبکه های تبهکاری، و یا تهدید دهشت افگنی. و اغلباً، تمایل بشر این نیست که در فرا سوی مرز ها کار کنند تا با این خطرات مواجه شوند، بلکه عقب نشینی کردن از یک دنیای تهدید آمیز است.

1010 غیر (other)، به معنای «دیگر» و یا «بیگانه» است، کسی که از خارج می آید، طور مثال: کسی که «غیر» ماست، غیر قوم ماست، و غیره. در زبان شغنائی خوب معنی می دهد، که «غیر» تلفظ می شود، و جمع آن «غیربن» است.

یک عنصری که این چالش را پیچیده می کند، نحوه ارتباطات ما با همسایگان جهانی ما است. ما گاهی فکر می کنیم که فن آوری معلوماتی جدید می توانند ما را نجات دهند. اگر ما بتوانیم با سرعت بیشتر، با قیمت نازلتر، از میان فاصله های بزرگتر، با مردم بیشتر ارتباط تأمین کنیم، فقط فکر کنید که چه می تواند اتفاق می افتد! ما همه بیشتر در مورد یکدیگر می آموزیم و شاید یکدیگر را بیشتر بشناسیم. مگر من مطمئن نیستم که چیز ها به این شیوه کارگر افتند. انفجار اطلاعات موجوده، اغلباً بر بالای اطلاعات مرتبط کمتر تمرکز دارند، و حتی تعداد کثیری اطلاعات نادرست [موجود است]. رهبریت اندیشمند، جای خود را به حرف های پر سرو صدا و میگذارد.

تکثر رسانه های گروهی یک چالش دیگر است: آنچه که اغلباً معنای پراگندگی رسانه ها را می دهد. بسیاری ها اکنون در خیالات واهی رسانه های خود زندگی می کنند، و در مقابل نظریات گوناگون مخالفت می ورزند. به نظر میرسد فن آوری های معلوماتی جدید می توانند ارتباطات (افهام و تفهیم) را آسانتر کنند، اما آنها می توانند کثرت گرایی را هم بیش از پیش دشوار تر کنند. اما یک بُعد دیگر این چالش، با حقایق طبیعت انسان سروکار دارد. ما اغلباً در گفتمان های ما، راجع به شهروندی جهانی می شنویم که مردم اساساً با هم شبیه اند. در زیر پوست، عمیقاً در دل های ما، ما همه برادران و خواهران هستیم – برای ما گفته می شود – و راز یک دنیای هم رنگ، اینست تا ما تفاوت های مان را نا دیده گرفته، و بر شباهت های مان تأکید کنیم.

آنچه که مرا نگران می سازد، اینست که، وقتی بعضی این پیام را به این معنی می گیرند که تفاوت های ما، بی اهمیت هستند، آنها باید نا دیده گرفته شوند، و یا در نهایت زدوده شوند. و این توصیه خوب نیست. در حقیقت، این غیر ممکن است. بلی، فهم ما و انسانیت درونی ما، باید تلاش ما را برای یک محیط کثرت گرایی سالم بر انگیزاند. اما اینگونه تلاش هم باید بر یک پاسخ دلسوزانه (همدلی) برای تفاوت های مهم ما استوار گردد. و باز آنهم موضوع اساسی است که ادوین کلارکسن از روی دلسوزی آنرا با وضاحت بیان کرده است.

و انمود کردن اینکه تفاوت های ما بی اهمیت هستند، بیشتر مردم را ترغیب نخواهد کرد تا بینش های کثرت گرایی را بپذیرند. در حقیقت، این شاید آنها را می گریزاند. مردم میدانند که تفاوت ها می توانند چالش برانگیز باشند، این مخالفت اجتناب ناپذیر است، که هموعان ما می توانند بعضی اوقات با آن نا سازگار باشند. قسمی که خانم کلارکسن خیلی عالی گفته است و من گفته اورا در اینجا نقل قول می کنم: «راز هماهنگی اجتماعی اینست که زندگی کردن با مردمی که ممکن است آنها را بطور خاص دوست نمی دارید».

من از این بیم دارم که حرف زدن محض در مورد انسانی بودن مشترک ما ممکن است به نظر رسد که هویت های مجزای مردم تهدید شوند. و در اینصورت چالش کثرت گرایی را می توان پیچیده تر کرد.

من کیستم؟ من چه کسی هستم؟ ما همه باید این سوال را مطرح کنیم. پاسخ ها از وابستگی های خانوادگی، عقیده، جامعه، و زبان نشئت می گیرند که آن یک احساس سالم مصنوعیت<sup>11</sup> و ارزش<sup>12</sup> را ارائه می دهند. اما، اگر به نظر رسد که فراخوانی برای کثرت گرایی، همان وابستگی های پیشین را تضعیف می کند، پس فراخوانی جدید ممکن است که مؤثر نباشد. پذیرفتن ارزش های شهروندی جهانی نباید به معنای کنار

<sup>11</sup> security

<sup>12</sup> worth

آمدن با پیوند های شهروندی محلی و یا ملی باشد. فراخوان کثرت گرایی باید از ما بپرسد تا به تفاوت های مان احترام قایل شویم، و اما [نباید] آنها را نادیده بگیریم، تنوع را انسجام بخشیم، و نه [باید] آنرا بی ارزش بشماریم.

فراخوانی به جهان- وطنی، فراخوانی به همگون کردن نیست. این به معنای تصریح کردن همبستگی اجتماعی، بدون تحمیل نمودن همانندی (انطباق) اجتماعی است. هویت کسی ضرورت ندارد که در یک دنیای کثرت گرا تضعیف شود، بلکه تا اندازه ای، بمانند یک نخ روشن در یک تکه رنگارنگ تحقق یابد.

دو سال پیش، زمانی که ادرین کلارکسن سخنرانی مسی<sup>13</sup> (Massey) را در شبکه اس بی سی<sup>14</sup> (CBC) ایراد کرد، وی یک عبارتی را کار برد که [پسانتر] عنوان کتاب او شد: «تعلق، پارادکس شهروندی». واژه «پارادکس» (تناقض) بطور فشرده چالشی را توصیف می کند که من آنرا به بحث گرفته ام.

شاید کلیدی برای حل پارادکس شهروندی این باشد تا در مورد لایه های بالا هم<sup>15</sup> هویت فکر کنیم، با وجود این، یکی می تواند به وابستگی های گوناگون افتخار کند - به عقیده ای، به قومی، به زبانی، به ملّتی، به شهری، به حرفه ای، به مکتبی، و حتی به یک تیم ورزشی! یکی می تواند بعضی از این هویت ها را با بعضی مردم بطور مشترک داشته باشد، و هویت های دیگر را با بقیه [بطور مشترک داشته باشند].

جامعه دینی خود من، با قرائت ویژه ما از عقیده و تاریخ اسلامی، با افتخار بنام مسلمانان اسماعیلی شناخته می شوند. اما، ما هم یک حس وابستگی با تمام جهان اسلام داریم، آنچه که ما بنام «امت» می گوئیم. در میان امت، گوناگونی هویت ها بسیار زیاد است - بیشتر از آنچه که اکثر مردم می دانند - تفاوت ها بر مبنای زبان، بر مبنای تاریخ، بر مبنای ملیت، قوم و دیگر نسبت های گوناگون محلی. ولی، در عین زمان، من یک احساس رو به رشد پیوند جهانی معنی دار را در میان امت مشاهده می کنم.

زمانی که پرسش هویت انسانی در این زمینه (پس منظر) دیده شود، پس تنوع خودش [در ذات خود] می تواند به عنوان یک «نعمت» دیده شود. تنوع دلیل نمی شود که ما دیوار ها را بر افرازیم، بلکه بجای آن پنجره ها را باز کنیم. این یک بار دوش نیست، [بلکه] یک برکت است. در آخر این جریان، ما باید بدانیم که زندگی کردن همراهی تنوع یک روند چالش برانگیز است. ما در اشتباه هستیم اگر فکر کنیم این آسان خواهد بود. کار کثرت گرایی همیشه کاری بسوی ترقی می باشد.

قسمتی از آن کار در مکاتب ما انجام خواهد گرفت. آنچه را که من اخلاق جهان- وطنی نامیده ام، چیزی نیست که ما با آن تولد می شویم، آن چیزی است که آنرا باید کسب کنیم (بیاموزیم). مشابه به این، انستیتوت برای شهروندی کانادا، تحت رهبریت الهام بخش ادرین کلارکسن و جان رالستون سنول، کار کرده اند تا وقت خود را برای مردمانی که آنها از نقطه نظر حس وابستگی برای کانادا نو هستند، بدهند. اما این روند مطلقاً از خودش محافظت نمی کند. آن به پلانگزارای نیاز دارد، آن به سماجت و فکر کردن تازه نیاز دارد. آن کاری است که هرگز تمام نمی شود.

<sup>13</sup> لکچر ها و یا خطابه های مسی، یک سلسله از لکچر های پنج بخشی سالانه هستند در مورد موضوعات سیاسی، فرهنگی و یا فلسفی در کانادا توسط یک دانشمند نام نهاد ارائه می گردند. این خطابه ها توسط وینسنت مسی (Vincent Massey)، فرماندار کل کانادا در سال 1961 اساس گذاری شد.

<sup>14</sup> CBC = Canadian Broadcasting Corporation News Network (شبکه خبر رسانی جهانی) بنگاه نشراتی کانادا

<sup>15</sup> overlapping layers

در نهایت، پیش رفتن علت شهروندی جهانی تنها یک موضوع تشکیل جوامع متنوع سالم نیست، بلکه بر قرار داشتن آنها هم است. با ناگزیری، چالش های جدید سر بر خواهند آورد. عالیمقام، محترمه پورلی مک لکلین<sup>16</sup>، لوی خارنوال (رئیس کل دادگستری) کانادا، زمانی که ایشان سال پار در سخنرانی سالانه مرکز جهانی کثرت گرایی ی ما، نطقی ایراد کردند، در مورد این گونه چالش ها صحبت کردند. او صحبت نمود که چگونه یک جامعه جهان- وطن بطور مداوم ضرورت دارد تا تعادل میان تنوع سالم و بهم پیوستگی اجتماعی را مرتب کند. وی گفت که: به منظور اجرای درست آن، نیاز به احترامی برای وقار انسان، نهاد های مقتدر قانونی، و یک محیط نهادینه شده کثرت گرا دارد.

برای من، [نقطه] قوت نهایی مستلزم «جامعه مدنی متنوع گسترده» است – یک دسته سازمان های خصوصی سالم که آنها متعهد به اهداف عامه باشند. برای شگوفایی کثرت گرایی، ما به انسجام موفق نهاد های گوناگون و رهبریت گوناگون نیاز داریم.

اینها فقط چند تا از اندیشه هایی هستند که من برای آینده ی شهر وندی جهانی می بینم. در مجموع، چالش ها زیاد تر و دایمی خواهند بود. آنها از ما چه توقع دارند؟ در یک فهرست مختصر شاید که این [نقاط] قوت شامل گردند:

یک حس متوازن حیاتی، یک ظرفیت بزرگ برای سازگاری، یک حس شکیبایی بیشتر، یک درجه شکسته نفسی مناسب، یک اندازه بخشش خوب، و البته، یک استقبال اساسی از تفاوت بشر.

این معنای سخت کار کردن را میدهد. این هرگز تمام نخواهد شد. مگر کار دیگری [جز این] مهم تر نخواهد بود.

تشکر.

## منابع و مأخذ:

تارنمای شبکه انکشافی والا حضرت آقا خان (AKDN)، در لینک های زیر قابل دسترس است:

<http://www.akdn.org/>

<http://www.akdn.org/speech/his-highness-aga-khan/accepting-adrienne-clarkson-prize-global-citizenship>

(Retrieved on: 30 September, 2016)

<sup>16</sup> Beverly McLachlin